

# ادبیات سوسیالیستی از انتشارات حزب کمونیست کارگری

## کمونیسم کارگری و آزادی های فردی

حمید تقوائی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید در ۲۵ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱ تدوین شده است

**خلیل کیوان:** گفته میشود کمونیستها به آزادیهای فردی اهمیت نمی دهند. آیا تجربه های شکست خورده ای مثل شوروی و چین و غیره باعث اشاعه چنین باوری شده است؟ کمونیسم کارگری درباره آزادیهای فردی چه میگوید؟ آیا برابری افراد در جامعه که یکی از اهداف پایه ای کمونیستها است به معنی نفی تفاوتهای فردی است؟ دیدگاه و کارنامه عملی کمونیسم کارگری در زمینه آزادیهای فردی چیست؟ این پرسشها و سئوالات دیگری در همین زمینه را با حمید تقوائی در میان میگذاریم.

حمید تقوائی این تصویر داده شده که کمونیستها فرد را قربانی جمع میکنند. آیا این درست است که کمونیسم بخاطر اهمیتی که به جامعه و زندگی اجتماعی میدهد به آزادیها و حقوق فردی بی اعتناست؟

**حمید تقوائی:** اینطور نیست. کاملا برعکس، اهمیت و جایگاه و نقشی که کمونیسم کارگری برای فرد و آزادیهای فردی قائل است بسیار جامع تر از لیبرال ترین و

دمکرات ترین دیدگاه هائی است که در کمپ مقابل، در کمپ مدافع سرمایه داری وجود دارد.

اولا آزادیهای فردی و اجتماعی از یکدیگر جدا نیست. بلکه کمونیسم اساسا برای آزادی و برابری و رهائی کل جامعه مبارزه میکند و جامعه محور است اما واقعیت اینست که رهائی جامعه، آزادی همه مردم و تامین رفاه همگانی، در سطح هر عضو جامعه بازتاب و معنی پیدا میکند و معنائی بجز رفاه و آزادی تک تک افراد نمیتواند داشته باشد.

ثانیا نکته مهم تر اینست که کمونیستها تنها مدافع حقوق فردی نیستند بلکه می خواهند امکانات اقتصادی - اجتماعی برخوردار همگان از این حقوق نیز تامین بشود.

ببینید، معمولا در جوامع امروز، در نظام های سرمایه داری، وقتی از آزادی و حقوق افراد صحبت میشود موضوع فقط در سطح حقوقی و قانونی، و برای اکثریت جامعه بر روی کاغذ، باقی میماند. به عنوان نمونه در جامعه سرمایه

داری شما حق دارید به هر جای دنیا سفر کنید ولی اگر پول و امکانش را نداشته باشید، اگر برای تامین معیشت ناگزیر باشید هر روز کار کنید، عملا نمی توانید سفر کنید. شما حق دارید هر خانه ای را بخرید ولی اگر امکان مالی اش را نداشته باشید تا آخر عمرتان اجاره نشین خواهید بود و از حق داشتن مسکن نخواهید توانست استفاده کنید. شما حق دارید آزادانه نظر بدهید ولی امکان استفاده از رسانه های اصلی جامعه، رسانه هائی که به افکار عمومی شکل میدهند، در اختیار عده معدودی است. حتی در جوامع غربی که خود را "مهد دموکراسی" مینامند همه میتوانند در انتخابات شرکت کنند ولی اگر میلیونها دلار صرف تبلیغات انتخاباتی نکنید عملا شانسی برای پیروزی نخواهید داشت.

این نمونه ها و هزاران نمونه نظیر آن نشان میدهد که داشتن حق، و امکان عملی استفاده از حق، دو موضوع کاملا متفاوت است. این فاکتور دوم در جوامع سرمایه داری محلی از اعراب ندارد و کسی از آن صحبت نمیکند. شما بیانیه

حقوق بشر را اگر مطالعه کنید می بینید در مورد امکان مساوی همه مردم برای برخورداری از حقوقشان کلمه ای در آن نیست. روی کاغذ، همه حقوق برابر دارند ولی در عمل اکثریت عظیم مردم نمیتوانند از این حقوق استفاده کنند. این مسئله تنها در یک جامعه کمونیستی میتواند حل شود. کمونیسم معتقد به نه تنها آزادیها و حقوق فردی، بلکه امکان برخورداری همگان از این آزادیها و حقوق است. این امکانسازی، اینکه از نظر عینی انسانها بتوانند از حقوقشان برخوردار بشوند، تماما در گرو سوسیالیسم است. تا شما سرمایه داری را بر نیندازید این امکان فراهم نمیشود.

بعبارت دیگر کمونیسم با نفی نابرابری و جبر اقتصادی ی که در ذات سرمایه داری است و بر اکثر اعضای جامعه، به اصطلاح امروز نود و نه درصدیها، تحمیل میشود، بطور واقعی امکان برخورداری از آزادیها و حقوق فردی را فراهم میکند. جوامع سرمایه داری برای این مساله جوابی ندارند و حتی هیچ ادعائی هم در این زمینه ندارند.

**خلیل کیوان:** اما تجاربی مثل تجربه کمپ شوروی سابق و یا چین و کره شمالی نشان میدهد که آزادیهای فردی در این جوامع نفی میشود. علت چیست؟ آیا این امر به ایدئولوژی کمونیستی این دولتها ربط پیدا نمیکند؟

**حمید تقوائی:** اولین نکته این است که نظام هائی که نام بردید مدعی کمونیسم بودند و یا هستند، در حرف خود را کمونیست می نامند ولی در عمل چیزی فراتر از سرمایه داری دولتی نیستند. بخصوص نمونه چین این واقعیت را به همه دنیا نشان داده است. کمونیسم اساسا بر سر لغو استثمار و کار مزدی است. این را همه دنیا، چه موافقین و چه مخالفین کمونیسم میدانند. در عین حال همه می بینند که استثمار و بردگی مزدی در چین به شدیدترین شکل، حتی شدید تر از کشورهای سرمایه داری که ادعای کمونیستی ندارند، در جریان است. بنابراین خیلی روشن است که این نوع نظامهای ناقض آزادیهای فردی هیچ ربطی به اهداف و آرمانهای کمونیسم ندارند. بلکه مربوط به

شکل ویژه ای از سرمایه داری اند که نیازمند قدرت بلامنازع دولت در اقتصاد و در سیاست است. شکل سرمایه دولتی که به برنامه ریزی دولتی و کنترل همه عوامل اقتصادی و سیاسی متکی است اما مثل سرمایه از نوع غربی چرخ اقتصادش بر محور استثمار نیروی کار و سود اندوزی و انباشت سرمایه می گردد.

علت اینکه در این نظامها آزادی و حقوق فردی بیش از جوامع غربی نقض میشود از دو واقعیت سرچشمه میگردد: اول این که کنترل مطلق دولت بر همه فعال و انفعالات اقتصادی در جامعه مستلزم اعمال قدرت مطلق و انحصاری دولت در همه زمینه ها، از نظر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و غیره، بر جامعه است و این مستلزم نقض کامل حقوق و آزادیهای فردی و مدنی شهروندان است و ثانيا همین تناقض بین نام و ادعای کمونیستی و واقعیت کاپیتالیستی این نظامها موجب میشود که دولت جلوی هر ابراز نظر انتقادی و هر نحو اشاره به این تناقض را بگیرد. دقیقا چون یک نظام کاپیتالیستی

خود را کمونیست اعلام میکند نمیتواند اجازه بدهد که کسی بر این تناقض انگشت بگذارد و مثلا فردی یا حزبی و رسانه ای به این امر اعتراض کند. این تناقض چنان واضح و روشن است که کمترین صدای اعتراض به این وضعیت میتواند به یک جنبش و نیروی عظیم اجتماعی تبدیل شود. در کمپ شوروی هم همین طور بود. و یکی از دلایل فروپاشی آن همین تناقض بود.

این دو فاکتور اعمال کنترل کامل دولت بر همه شئون جامعه و تناقضی که بین ادعای کمونیستی دولت و واقعیات جامعه وجود دارد اساس و منشاء نقض حقوق و آزادیهای فردی در نظامهای سرمایه داری مدعی کمونیسم است و نه ایدئولوژی و یا سیاست کمونیستی ناموجود این دولتها.

**خلیل کیوان:** یک بحث دیگر موضوع ویژگیهای فردی است. وجه مشخصه کمونیسم تاکید بر برابری همه افراد است. آیا این تاکید، به یکسان سازی افراد و نفی و انکار ویژگیهای فردی در جامعه منجر نخواهد شد؟

**حمید تقوائی:** بهیچوجه. برابری به معنی یکسان سازی نیست. ما از برابری صحبت میکنیم و نه از یکسانی. آرمان و هدف ما تحقق این شعار معروف و شناخته شده است: از هر کس به اندازه توانش، به هر کس به اندازه نیازش. طبعا نیازهای افراد متفاوت است. آدمهای مختلف نیازهای متفاوتی دارند و پاسخگوئی به این نیازها نه تنها به معنی نفی و انکار این ویژگیها نیست بلکه این ویژگیهای فردی را برسمیت میشناسد و مبنای برخورد به افراد قرار میدهد. طبعا یک خانواده چند نفری در مقایسه با فردی که تنها زندگی میکند به خانه بزرگتری نیازمند است، و یا افراد در انتخاب لباس و وسائل زندگی و نوع تفریح و غیره سلیقه ها و اولویت های متفاوتی دارند. در شعار هر کس به اندازه نیازش همه این ویژگیها و تفاوتها منظور شده است. نیازها متفاوتند و وقتی هدف و سیاست شما این باشد که نیاز همه افراد جامعه تامین شود برخورد یکسانی به افراد نکرده اید و یکسان سازی ای در کار نخواهد بود.

من میدانم که جامعه چین، با متحدالشکل کردن لباسها و حتی ارزشها و سلیقه های هنری و فرهنگی که بخصوص بعد از انقلاب فرهنگی کذائی در آن کشور رواج پیدا کرد، این تصویر را بدنیاداده است که گویا کمونیسم خواهان یکسان سازی افراد است. در پاسخ این هم باز باید به سرمایه داری دولتی تحت نام کمونیسم و عوارض و مصائب ویژه ناشی از آن اشاره کنم. اعمال کنترل بلامنازع دولتی مستلزم یک جامعه پادگانی است و این را امروز در کره شمالی هم مشاهده میکنیم.

کمونیسم کارگری، کمونیسمی که مانیفست و برنامه یک دنیای بهتر نمایندگی میکنند، نه تنها با یکسان سازی تناقض دارد بلکه اجازه میدهد که به گسترده ترین و همه جانبه ترین وجه، ویژگیها و استعدادهای فردی شکوفا شود. دقیقا ایجاد امکان برخورداری از حقوق و آزادیهای فردی، که در ابتدای این مصاحبه اشاره کردم، ضامن تحقق نقش و جایگاهی برای افراد است که حتی در لیبرال ترین نظام های سرمایه داری آنرا مشاهده نمیکنید.

**خلیل کیوان:** این تلقی شما از اهمیت و جایگاه فرد برای کمونیسمی که در اپوزیسیون است چه معنایی دارد؟

**حمید تقوائی:** کارنامه حزب ما اهمیت جایگاه فرد را بروشنی نشان میدهد. بعنوان مثال هر کس تاریخچه و عملکرد حزب ما را دنبال کرده باشد متوجه میشود که برخورد ما به حقوق و وظایف اعضا، کاملاً از تصویری که کمونیسمهای موجود در دولتها و حتی در اپوزیسیون بدست داده اند متفاوت است. حزب ما اولین جریانی در جنبش کمونیستی ایران بود که با سنت پنهان کاری و عدم شفافیت و اعضای حل شده و بی چهره در سازمانهای چپ به مقابله برخاست و اعلام کرد که اعضا و فعالین حزبی باید به اسم خودشان بنویسند و مصاحبه کنند و کلاً ابراز وجود نکنند. این بحثی بود که منصور حکمت در مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران مطرح کرد و علناً در این باره نوشت و توضیح داد. او به ضرورت اسامی و امضای افراد در پای سیاستها و تحلیلها

و نظرات منتشر شده از جانب احزاب و سازمانهای کمونیست تاکید کرد. این متد احزاب را و سیاستها و مواضعشان را متعین میکند، نشان میدهد که حزب مجموعه ای از افراد بی چهره و بی هویت نیست که گوئی همه در سازمان حل شده اند. تا آن زمان سنت رایج این بود - و در بعضی از سازمانهای چپ هنوز هم در سطحی این سنت پابرجاست - که اعضای سازمانها هویت سیاسی بیرونی و علنی نداشته باشند و حتی رهبران سازمانها شناخته شده نباشند. یک دلیل این امر شرایط اختناق و مسائل امنیتی بود ولی این همه مساله را توضیح نمیدهد. میتوانستند با اسم مستعار بنویسند و اظهار وجود کنند. این بیش از مسائل امنیتی و مخفی کاری، نتیجه تلقی و نحوه تفکری بود که ابراز وجود فردی را با متشکل بودن و فعالیت جمعی متناقض میدانست. گوئی همه اعضای سازمان یکسان هستند. بحث ما این بود که باید روشن باشد که اولاً رهبران سازمانها چه نظرات و مواضعی دارند و تاثیر آنها بر سیاستها و عملکرد سازمانشان چیست و

ثانیا کمونیستها باید چهره های معرفه و شناخته شده ای در سطح جامعه باشند. باید روشن باشد که چه کسانی چه نظراتی را نمایندگی میکنند. جنبش کمونیستی باید متعین و معرفه باشد و یک رکن این امر معرفه چهره ها به جامعه است.

نکته دیگر اینکه در سازمانها ممکن است نظرات مختلفی مطرح باشد که به سیاستهای متفاوت و به تغییر ترکیب رهبری منجر بشود. جامعه باید از این تحولات مطلع باشد. بخصوص وقتی این اختلاف نظرها به تشکیل فراکسیون و انشعاب منجر میشود، جامعه باید بداند هر کس چه میگوید و سیر مباحث چه بوده است. این بخشی از شفافیت و مسئولیت پذیری در مقابل جامعه است. حتی در یک حزب با یک سیاست واحد تاکیدات افراد و اولویتهای و نحوه تبلیغ افراد متفاوت است. جامعه باید این را ببیند. بخصوص صاحب نظران و تئوریسین های حزبی باید شناخته شده باشند. تاکتیسین های حزبی باید معرفه باشند. ما از همان آغاز، از مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران، از

سی و اندی سال قبل، بر این مبنا و با این دیدگاه از موقعیت فرد در حزب فعالیت کرده ایم. این جهت گیری در حزب کمونیست کارگری با نظریه حزب و شخصیتها تکمیل شد.

امروز حزب ما دارای بیشترین افراد شناخته شده در یک سطح علنی و اجتماعی است. اعضای که با امضای خودشان در نشریات حزبی مقاله مینویسند، در مدیای اجتماعی شناخته شده هستند، در کارزارها و کمپینها حضور دارند و فعالند، و همه هم میدانند که این فعالین از اعضا و کادرهای حزب هستند.

نکته دیگر بحث حزب و شخصیتها است. به نظر ما حلقه های رابطه حزب با جامعه شخصیتهای حزبی هستند و تاثیر گذاری بر تحولات و کارزارها اساسا از طریق شخصیتها انجام میشود. از همین رو امروز حزب ما از چهره های شناخته شده و محبوبی در عرصه های مختلف، و میشود گفت نبردهای مختلف، نظیر مبارزه علیه اعدام، علیه سنگسار، دفاع از حقوق پناهندگی، دفاع از زندانیان

سیاسی، در جنبش کارگری و غیره و غیره برخوردار است. ما حتی سعی کردیم این به یک فرهنگ عمومی در جنبش چپ و در جنبش کارگری تبدیل شود. امروز می بینید که جنبش کارگری در ایران دارای بیشترین چهره های فعال است و شخصیتها و فعالین شناخته شده و محبوبی در سطح کل جامعه دارد. بیست سال قبل چنین نبود. امروز نه تنها حزب ما بلکه جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی دیگر هم به این سمت حرکت کرده اند.

نکته آخر حقوق فرد در حزب ما است. ما معتقد به حل شدن اعضا در سازمان و تحت الشعاع قرار گرفتن فرد بوسیله سازمان حزب نیستیم. به فداکاری و از خود گذشتگی ارج میگذاریم اما سازماندهی حزب ما بر این اساس نیست. برای ما زندگی شخصی و اولویتهای شخصی و خانوادگی اعضا اهمیت دارد و این برایمان یک فاکتور مهم در سازماندهی افراد است. در تقسیم مسئولیت ها نیز تمایل و انتخاب افراد اساس کار ماست. مسئولیت ها در حزب ما بر مبنای قابلیت و استعداد و

رضایت افراد تعیین میشود.

به این ترتیب نه تنها رو به جامعه بلکه در آئین نامه و در مناسبات درون تشکیلاتی هم ویژگیهای افراد برای ما مهم است. چه در جامعه و چه در حزب افرادی هستند که بالاخره میتوانند در سطح فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جلو بیفتند و ابتکارات و خلاقیت هایشان را نشان بدهند. به این ترتیب جامعه جلو میرود و پیشرفت میکند. حزب هم به همین ترتیب رشد میکند.

**خلیل کیوان:** شاید برگزاری علنی کنگره ها و دسترسی عمومی مردم به اعضای رهبری حزب و کمیته مرکزی حزب را هم باید در همین چارچوب نگاه کمونیسم کارگری به جایگاه افراد در نظر گرفت. نظر شما چیست؟

**حمید تقوائی:** دقیقا. این هم جزئی از همان تلاش ما برای معرفی چهره ها و معرفی افرادی است که سیاستها و مواضع معین حزب را نمایندگی میکنند. در کنگره ها نمایندگان و اعضای شرکت کننده سخنرانی و اظهار نظر میکنند،



به قطعنامه های مختلف رای میدهند، از فعالیت هایشان در فاصله دو کنگره گزارش میدهند، در مورد نقاط ضعف و قوت حزب صحبت میکنند و همه اینها در برابر چشمان مردم انجام میگیرد. این جزئی از سیاست علنیت و شفافیت حزب است که با حلقه واسط و بوسیله فعالین حزب عملی میشود. به این ترتیب نه تنها جامعه در جریان مباحث و فعل و انفعالات درونی حزب ما قرار میگیرد بلکه با مواضع و عملکرد و نظریات اعضای حزب در این فعل و انفعالات نیز آشنا میشود. نتیجه این شفافیت و علنیت و اهمیت دادن به افراد، حزبی باز، معرفه و شناخته شده و در نتیجه کاملا قابل قضاوت و ارزیابی بوسیله جامعه است.

این تماما در مقابل سنت کمونیسم خاکستری و مه آلود و مکتبی قرار میگیرد که متاسفانه مبتلا به بسیاری از جریانات چپ است. کمونیسم کارگری از این نقطه نظر نیز کاملا خلاف جریان است.

**خلیل کیوان:** سؤال آخرم در مورد آزادیها و حقوق فردی

در جامعه سوسیالیستی است. بعد از پیروزی و استقرار جامعه سوسیالیستی مورد نظر شما حقوق افراد در چه سطحی به رسمیت شناخته میشود. آیا آزادی مخالفت با نظام سوسیالیستی هم وجود خواهد داشت؟

**حمید تقوائی:** حتما. ما به آزادیهای بی قید و شرط معتقد هستیم و این را عملی خواهیم کرد. هم امروز به عنوان اپوزیسیون این اصل را رعایت میکنیم و هم در فردای بقدرت رسیدن این را در جامعه به یک قانون سراسری تبدیل خواهیم کرد و عملی خواهیم کرد. آزادی بی قید و شرط یعنی آزادی حتی نقد کمونیسم و سوسیالیسم و مخالفت با دولت سوسیالیستی و مقامات مسئول در جامعه. ما معتقدیم که همه احزاب و سازمانهای سیاسی حتی اسلامی ها میتوانند فعالیت کنند. تنها شرط ما اینست که شریک جنایات جمهوری اسلامی نباشند که در این صورت بنابر قوانین جنائی باید محاکمه شوند و حساب پس بدهند. در غیر این صورت همه، هر درجه هم که با سوسیالیسم و کمونیسم مخالف باشند، و یا طرفدار نظام کاپیتالیستی باشند،

آزادند سازمان و نهاد و رسانه خود را داشته باشند و فعالیت کنند. هر حزب و رسانه ای آزاد است و دیگر مساله "توطئه علیه نظام" و "به خطر انداختن امنیت ملی" و "توهین به مقدسات" و "توهین به رهبر" و غیره در نظام سوسیالیستی جایی نخواهد داشت.

چرا اینطور است؟ چرا از فعالیت مخالفین نظام سوسیالیستی واهمه ای نداریم؟ بخاطر اینکه آزادی و رفاه و برابری را برای همه شهروندان تامین میکنیم. تا جایی که دولت سوسیالیستی، که همان دولت متشکل از شوراهای مردم است، بتواند این آرمانهای انسانی را تامین کند و حتی مردم بینید که جامعه به این سمت حرکت میکند و اگر مشکلات و موانعی هست واقعی و عینی است که دولت مشغول حل و برطرف کردن آنهاست، اگر جامعه ببیند که این نظام به سمت تامین رفاه عمومی و تامین آزادی و برابری برای همگان حرکت میکند، آنوقت جریانات و احزاب مخالف پایگاهی نخواهند داشت و حاشیه ای و منزوی باقی خواهند ماند.

حزب ما هم حزبی در میان بقیه احزاب است که سیاست هایش را در شوراها مطرح میکند و به بحث میگذارد. ما مطمئن هستیم که در چنین مناسباتی، حتی اگر همین امروز و در دل جامعه سرمایه داری فعلی برقرار بشود، سوسیالیست ها اکثریت بالائی را با خود خواهند داشت.

۲۵ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۶ سپتامبر  
۲۰۲۱

روشن است که نیروهای طرفدار سرمایه که قدرت سیاسی را از دست داده اند مدتها به زندگی سیاسی خود ادامه خواهند داد و تلاش خواهند کرد اوضاع را برگردانند. اینها میتوانند در شوراها فعالیت کنند و سعی کنند نیرو جمع کنند اما جامعه ای که بر سر درش نوشته شده از هرکس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش در برابر این تلاش های واپسگرا مصونیت خواهد داشت. از همین رو ما نه تنها نگرانی ای از فعالیت احزاب مخالف نداریم بلکه آزادی فعالیت آنها را جزئی از پلاتفرم سوسیالیستی تامین آزادیهای بی قید و شرط و عاملی در مقبولیت و مطلوبیت نظام سوسیالیستی، بویژه در جامعه ایران که همیشه با اختناق و سرکوب آزادیها مواجه بوده است، میدانیم.

همانطور که اشاره کردم نظام سوسیالیستی نظامی شورائی است و در شوراها میتواند نظرات و سیاستهای مختلفی بیان و مطرح شود و شوراها نهایتا بر مبنای رای اکثریت تصمیم خواهند گرفت.



**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام